

نسخ خطی فارسی، کهنه مهمانان سرزمین تزارها



علیرغم اینکه منابع مطالعات ایرانی از جمله اسناد و نسخ خطی فراوانی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌های روسیه وجود دارد، اما به دلایل گوناگون سیاست بر ارتباطات علمی دانشمندان دو کشور سایه انداخته است.

روزگاری که تحول اندیشه‌های پیشینیان در اوج خود قرار داشت، بی شک ادیبان، متفکران و دانشمندان، افکار و اندیشه‌های وزین را در قالب دست نوشته‌های خود ابراز می‌نمودند. بنابراین، نسخه‌های خطی از جایگاه ویژه‌های در معرفی و حفظ فرهنگ و تمدن هر کشوری برخوردار هستند و از طریق همین نسخ خطی است که می‌توان نسل جدید و آیندگان را از سیر تحول اندیشه آگاه نمود.

در این خصوص، خیرگزاری اسپوتنیک به گفتگو با پژوهشگری در زمینه نسخ خطی پرداخته است. **حسین متقی** دارای سابقه فعالیت در حوزه نسخ خطی و فهرست نگاری چند هزار نسخه به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی است. وی صاحب تالیفات متعددی در قالب کتاب و مقاله در زمینه دستنویس‌های اسلامی می‌باشد و اکنون به عنوان صاحب امتیاز نشریه تخصصی مطالعات نسخ خطی و اسناد کهن با عنوان «بساتین» و مدیر وبسایت پایگاه خبری نسخ خطی فعالیت می‌نماید. او معتقد است، با توجه به اینکه روسیه میراث دار دو دولت بزرگ تزارها و اتحاد جماهیر شوروی است، و همچنین با توجه به وضعیت بسته سیاسی یکصد سال اخیر، علیرغم اینکه منابع مطالعات ایرانی از جمله اسناد و نسخ خطی فراوانی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌های روسیه وجود دارد، اما به دلایل گوناگون سایه سیاست بر ارتباطات علمی دانشمندان دو کشور سایه انداخته است، و عملاً چندان از فضاها، فرصتها، زمینه‌ها و منابع مطالعاتی یکدیگر، بخصوص به جهت فضای حاکم بر شوروی بهره چندان نبرده اند.

- در روسیه نسخ و اسناد خطی فارسی وجود دارد یا خیر؟ چه تعدادی هستند و در کجا نگهداری میشود؟ این آثار در چه موضوعاتی است و متعلق به چه زمانی می باشد؟

بر اساس گزارشی که زنده‌یاد «اولگ آکیموشکین» از نسخه‌های خطی اسلامی موجود در کتابخانه‌های روسیه به صورت رسمی در سال ۱۹۹۲ میلادی منتشر نموده است، در کتابخانه‌های روسیه - بدون احتساب نسخه‌های خطی روسی و زبان‌های دیگر - در حدود ۶۰۰۰۰ نسخه خطی اسلامی (منظور از اسلامی، یعنی متنی نگارش یافته با خط و الفبای عربی، به هر زبان و موضوعی که بوده باشد) وجود دارد و از این تعداد ۱۸۷۳۳ نسخه خطی عربی، ۱۲۶۱۲ نسخه فارسی و تاجیکی، ۹۵۴۰ نسخه ترکی (با لهجه‌های متنوع)، ۱۴۸ نسخه کردی، ۲۸ نسخه پشتو، ۱۴ نسخه مالیزی و ۳ نسخه اردو و ۷۰۵۷ نسخه نیز با عنوان نسخ خطی اسلامی (بدون تمایز زبانی) می‌باشد.

اما به استناد شواهد و گزارش‌های پراکنده از وجود دستنویس‌های فراوان در جمهوری‌های خودمختار تاتارستان، داغستان، اوستیای شمالی، چچنستان و جز اینها، به نظر می‌رسد که در کتابخانه‌های روسیه، دست کم یکصد هزار نسخه خطی اسلامی وجود داشته باشد که بسیاری از آنها، هنوز شناسایی و معرفی نشده‌اند.

توجه کنید که عمده تمرکز نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه به لحاظ کیفی، به ترتیب در شهرهای سن‌پترزبورگ، مسکو، تاتارستان (قازان)، داغستان (مآخاج قلعه)، باشقیرستان (اویفا) و چچنستان (گروزنی) می‌باشد. در معرفی آن موارث، از اوایل قرن ۱۹ میلادی تاکنون بیش از ۱۰۰ جلد فهرست در قالب کتاب، مقاله یا پایان‌نامه، به زبان‌های روسی، آلمانی، فرانسوی، ترکی، فارسی، عربی و دیگر زبان‌ها چاپ و منتشر شده است؛ لیکن به لحاظ کمی به نظر می‌رسد جمهوری‌های داغستان و تاتارستان، مقام نخست را در تعداد نسخه‌های خطی اسلامی در روسیه، دارا باشند، اما از آنجا که این نسخ هنوز فهرست نشده‌اند و آثارهای دقیقی نیز در دست نیست، با همه این احوال، همچنان، منابع موجود در شهر سنت پترزبورگ به لحاظ کیفی، پیش‌تاز است. بر پایه منابع مطالعاتی موجود در روسیه، از حدود یکصد هزار مجلد نسخه خطی "اسلامی" موجود در روسیه، بیش از ۹۰٪ آنها به زبان‌های عربی، فارسی و ترکی (با لهجه‌های گوناگون) نگارش یافته‌اند، اما از این تعداد، به نظر می‌رسد تاکنون، در حالت پیشینه، بیش از ۲۰٪ این موارث کهن به صورت توصیفی، معرفی نشده باشند و در حقیقت شاید به جرأت بتوان گفت بیش از ۷۰٪ درصد این آثار، فاقد شناسه توصیفی هستند.

نسخه‌های خطی اسلامی (کتابت شده با خط و الفبای عربی) در روسیه از ارزش بالایی برخوردارند، برای نمونه چند قرآن بسیار کهن به خط کوفی از قرون ۱-۲ هجری/ ۷-۸ میلادی امروزه در انستیتو دستنویس‌های شرقی، کتابخانه دانشگاه سن پترزبورگ و موزه ارمیتاژ، نگهداری می‌گردد که منابعی بسیار غنی برای مطالعات قرآنی هستند. یا برای نمونه دیگر قدیمی‌ترین نسخه خطی شیعی در روسیه، به نام «الذخیره فی علم الکلام» مربوط به سید مرتضی علم الهدی (متوفای ۴۳۶ق/ ۱۰۴۴م) امروزه در کتابخانه ملی روسیه در سن پترزبورگ نگهداری می‌گردد که حدود سی سال پس از درگذشت مؤلف یعنی سال ۴۷۲ ق/ ۱۰۷۹م کتابت گردیده است؛ درباره نسخ خطی کهن فارسی نیز باید گفت، تفسیر البصائر یمینی، مربوط به قرن ششم هجری/ قرن دوازدهم میلادی از نفیس‌ترین و کهن‌ترین نسخ فارسی در روسیه است و این نسخه خطی در کتابخانه انستیتو دستنویس‌های شرقی فرهنگستان علوم روسیه در سن پترزبورگ نگهداری می‌گردد.

از آنجایی که گفتیم در حالت خوشبینانه بیش از هفتاد درصد نسخ خطی اسلامی موجود در روسیه فهرست نشده است، به تبع آن، با همین نسبت (۷۰٪)، نسخه‌های خطی فارسی نیز در روسیه فهرست نشده‌اند، لذا خیلی نمی‌توان روی موضوعات نسخ فهرست نشده، به دقت و شفافیت، نظر داد؛ اما با توجه به موضوعات همین مقدار نسخ خطی فارسی معرفی شده، می‌توان گفت، خوشبختانه در همه موضوعات نسخه خطی وجود دارد و به دگر تعبیر، نسخ خطی فارسی در روسیه کلکسیون نفیس و البته متنوع، شامل آثار دینی، ادبی، تاریخی، فلسفی، علمی (ریاضی، نجومی، پزشکی، طبیعی...) و نیز آثار هنری هستند. برای نمونه موزه ارمیتاژ و انستیتو دستنویس‌های شرقی و نیز کتابخانه ملی روسیه در سن پترزبورگ، انباشه از نسخ خطی هنری مذهب و دارای مینیاتورهای بسیار زیبا، کار نقاشان برجسته ایران زمین، متعلق به مکتب‌های هنری شیراز، هرات، تبریز و اصفهان هستند. حتی نسخه کهن تفسیر البصائر که اشاره کردم تذهیب و نگارگری آن به نظر می‌رسد متعلق به مکتب بغداد در قرون ششم هجری/دوازدهم میلادی بوده باشد که مکتب هنری پیش از حمله مغول به ایران است و فوق العاده نفیس می‌باشد.

- چه میزان از این آثار از سوی محققان ایرانی شناسایی شده است؟

روسیه امروز با توجه به اینکه میراث دار دو دولت بزرگ تزارها و اتحاد جماهیر شوروی است، و با توجه به وضعیت بسته سیاسی یکصد سال اخیر، علیرغم اینکه منابع ایرانی از جمله اسناد و نسخ خطی فراوانی در مراکز آرشیوی و کتابخانه‌های روسیه وجود

دارد، اما متأسفانه به جهت وضعیت نامطلوبی که سیاست بر ارتباطات علمی دانشمندان دو کشور سایه انداخته بود، عملاً چندان از فضاها، فرصت‌ها، زمینه‌ها و منابع مطالعاتی یکدیگر بخصوص به جهت فضای حاکم بر شوروی بهره‌چندانی نبرده نمی‌شود (هم در بخش معرفی منابع هم در بهره‌وری و استفاده علمی از منابع).

اما امروز با اینکه قضیه فرق کرده است و به نظر روسیه دیگر شوروی نیست، اما اغلب ایرانیان این تغییر را به رسمیت نمی‌شناسند؛ چرا که بارها اتفاق افتاده زمانیکه یک ایرانی برای ملاحظه یک منبع کهنی به روسیه می‌آید؛ گفتمان حاکم بر بیشترین مراکز آرشیوی و کتابخانه‌ای روسیه همان گفتمان علمی بسته شوروی سابق است و عملاً در بخش علمی تغییر چندانی نمی‌بینیم و تعاملات کتابخانه‌ها و در دسترس نهادن منابع همان فضای بسته حاکم است. بخشی هم باید اعتراف کرد که روسیه در بخش فرهنگی برای ایجاد تغییرات بنیادی در ساختار کتابخانه‌ها و مراکز آرشیو اسناد خودشان هیچ تغییری محسوس مشاهده نگردیده است، چه در بخش معرفی آثار و چه در بخش باز کردن فضای علمی به روی محققان و حتی در دعوت از محققان خارجی برای معرفی مواد و منابعی که در اختیار دارند، به هر دلیل ممکن، هیچ تحرکی دیده نمی‌شود.

به تعبیر برخی از محققان ایرانی، زمان در روسیه بشدت در دور کند حرکت می‌کند! دسترسی به اطلاعات در روسیه به جهت عدم تجهیز مراکز کتابخانه‌ای به سیستم‌های پیشرفته رایانه‌ای در فقیرترین حالت قرار دارد. برای نمونه برای دستیابی به فهرست منابع کتابخانه‌ای باید از روش پنجاه سال پیش یعنی جستجو در فیش کارت‌های عناوین آثار و مؤلفان یا موضوعات آنها بهره‌جویید؛ یا برای نمونه دیگر در زمانی که تمام کشورهای اروپایی (مانند کتابخانه دولتی برلین) و یا آمریکایی (مانند کتابخانه دانشگاه هاروارد) برای دیجیتال سازی منابع نسخ خطی و اسناد و همچنین قابل دستیابی نمودن و در دسترس محققان قرار دادن این منابع، مسابقه گذاشته‌اند، در مقابل در کتابخانه‌های دارای نسخ خطی در روسیه هیچ خبری نیست! به عنوان نمونه بزرگترین مرکز دارای نسخ خطی در روسیه، یعنی انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه، حتی از درج یک برگ از دهها هزار نسخه خطی خود بر روی سایت خود دریغ کرده است! در کنار این مشکلات، نکته دیگری که هست آن، عدم پاسخگویی به درخواست‌های محققان نسخ خطی از راه دور است، به عنوان مثال اگر شما ایمیلی به یکی از این مراکز ارسال دارید - بر خلاف کتابخانه‌های اروپا که وبسایت‌های آنان کاملاً پاسخگوست - به ندرت می‌توان از طریق ایمیل در این کشور، به مقصود و مطلوب علمی نائل آید و اصولاً فضای علمی و دسترسی به منابع در روسیه فوق‌العاده بسته است.

دوستی روس دارم به نام «گنادی» اهل سن پترزبورگ، زمانی به ایران آمده بود و به اتفاق هم تصویر یک نسخه خطی را از کتابخانه آیت الله مرعشی در قم گرفتیم و جالب بود وقتی به او گفتم شما اهل سن پترزبورگ هستی و آنجا قدیمی‌تر و نفیس‌تر از همین نسخه موجود است، چرا از آنجا تصویر را نگرفتید؟ گفت: شما نمی‌دانید در روسیه چه خبر است، من اگر از روسیه بیایم ایران، خیلی راحت‌تر از روسیه و در شهری که در آن به دنیا آمدم، تصویر یک نسخه را بدست می‌آورم. در روسیه پروسه این امور به جهت کندی کارها، آنقدر طولانی طی می‌شود و شرایط سخت و هزینه‌های سنگینی برای دریافت تصویر یک نسخه خطی مطالبه می‌کنند که من اگر این همه هزینه هم بکنم و بیایم از ایران بگیرم، باز سفر به ایران بسیار ارزاتر خواهد بود!

- چه موانعی در مسیر تحقیق و شناسایی منابع خطی وجود دارد؟

درباره موانع این حوزه مطالعات و علمی سخن بسیار می‌توان گفت. اما همانقدر بگویم که شما در ایران، برای دسترسی یک روس، به منابع روسی، از جمله نسخه‌های خطی فارسی که مربوط به فرهنگ و تاریخ روسیه است (مانند نسخه خطی تاریخ کاترین و مانند آن)، جز مواردی نادر، برای دسترسی به منابع کهن، تقریباً مشکل حادّی نخواهید داشت، اما در روسیه چنین نیست. دسترسی یک ایرانی، به منابع ایرانی در روسیه بسیار مشکل است و نیازمند طی مقدمات و روند طولانی و صرف هزینه نسبتاً

زیاد است؛ در عین حال بزرگترین مسأله حاکم بر این پروسه علمی در روسیه، سایه سنگین کندی و حرکت لاک پشتی کتابخانه‌ها و مراکز آرشیوی در روسیه در معرفی این موارث است.

به هر تقدیر به نظر می‌رسد بایستی طرفین برای معرفی منابع علمی - تاریخی یکدیگر گامهایی بردارند. برای نمونه پروتکل‌های متعددی برای معرفی میراث ایرانی (نسخ خطی، اسناد و...) موجود در روسیه بین مراکز علمی روسیه و ایرانی امضا شده است. نمونه اخیرش تفاهم نامه‌هایی بین کتابخانه ملی ایران با کتابخانه دولتی لنین و انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه امضا شده است، چیزی که در دوره‌های گذشته فراوان مشابهش را شاهد بودیم؛ ولی متأسفانه به هر دلیل ممکن، اینها فقط روی کاغذ می‌مانند و اجرایی نمی‌شوند. به نظر می‌رسد از هر دو طرف، اراده‌ای برای فعال شدن این فضاها علمی ندارند. طبعاً مسؤولیت رایزنی فرهنگی ایران در روسیه در این عرصه، در حوزه نسخ خطی انکار ناپذیر است و به نظر می‌رسد، هر رایزنی فرهنگی در طول دوره مأموریت خویش، سبب ساز نگارش پنج یا حتی دو جلد فهرست برای نسخ خطی متناسب با فرهنگ ایران زمین بشود، مطمئناً طی چند سال همه نسخ خطی فارسی موجود در روسیه، به تدریج فهرست و معرفی می‌شوند.

- آیا تا به حال به صورت رسمی اقدامات و رایزنی‌هایی بین مقامات دو کشور مبنی بر حذف این موانع به منظور کشف و مطالعه بیشتر صورت گرفته است؟

الحمدلله در دوره مسؤولیت رایزنی آقای دکتر ابراهیمی، مجموعه‌ای از فهرست‌های نسخ خطی فارسی موجود در انستیتو دستنویس‌های شرقی آکادمی علوم روسیه که از سوی خود دانشمندان روس طی پنجاه سال، به زبان روسی، توصیف شده بودند، شامل معرفی ۱۰۰۰ عنوان نسخه خطی فارسی، برای نخستین بار به اهتمام ایشان و تلاش‌های آقای دکتر حیدرینیا و جمعی دیگر از مترجمان ایرانی، این فهرست‌ها به فارسی برگردانده شد. در سال ۲۰۱۱ بنده همراه استاد، جناب آقای صدراپی، برای مدتی به سن پترزبورگ آمدم و از نزدیک نسخ خطی را مورد مطالعه قرار داده و اصلاحات و کنترل لازم را بر پایه خود نسخ خطی آن انستیتو، انجام دادیم. خدا را شکر تقریباً بعد از یکسال متن فارسی این فهرست‌ها در ایران، منتشر گردید و سپس بنده در سفر دومم در سال ۲۰۱۴ به روسیه، ۵۰۰ عنوان نسخه خطی فارسی نفیس دیگر را از همین مجموعه، فهرست نمودم که با احتساب موارد فهرست شده قبلی، در همین انستیتو از حدود پنج هزار عنوان نسخه خطی فارسی، تاکنون هزار و پانصد نسخه خطی فهرست شده و معرفی گردیده است. باید توجه داشت که با انتشار یک فهرست، برای نسخ خطی، به سان چشمه‌ای جوشان، زمینه و فرصت ده‌ها پژوهش جدید از نوع کتاب، مقاله و پایان نامه و نظائر آنها رقم زده می‌شود. برای نمونه بنده یک تفسیر کهن فارسی را که با لهجه حوزه خراسان قدیم (منطقه بلخ در شمال افغانستان امروزی) در قرن ۶ یا ۷ هجری/ ۱۲ یا ۱۳ میلادی نوشته شده است، در همین مجموعه نفیس انستیتو، معرفی کردم، با اینکه هنوز فهرست آن منتشر نشده است، اما بر پایه همین گفتگوی دوستانه، به سرعت تمام آوازه آن متن بسیار کهن و نفیس تا بخش ادبیات فارسی دانشگاه کالیفرنیا نیز رسید!

- این آثار چه ارزشی برای ایران می‌تواند داشته باشد؟

بدون تردید متون کهن فارسی، سرچشمه‌های ناب و دست اول پژوهش‌های علمی و تاریخی با محوریت فرهنگ و تمدن ایران به شمار می‌روند و به نوعی هویت فرهنگی و تاریخی این کشور محسوب می‌گردند. اولویت اول (با قید فوریت) در نسخه‌های خطی در روسیه، معرفی توصیفی آنهاست و تا وقتی که از عناوین، محتوا و مواد آن آثار کهن آگاهی نیابیم، پی به ارزش معنوی آنها نخواهیم برد؛ حتی خود روس‌ها هم نخواهند دانست چه منابعی از میراث ایران در اختیار دارند، طبعاً هیچ شناختی نیز از ارزش و جایگاه آنها نخواهند داشت. فهرست نگاری مجموعه‌های فهرست نشده در روسیه، بدون تردید در اولویت اصلی قرار دارد. همانطور

که گفتم برای خود روس‌ها نیز ارزشمند خواهد بود و این نسخه‌های خطی می‌توانند موادی ارزشمند برای غنی سازی چرخه علمی خود آنان در دانشگاه‌های روسیه، به ویژه برای شناخت ایران فراهم سازند.

چنانکه در حال حاضر شورای پژوهش اروپا (ERC) به شدت از محققان اروپایی با محوریت نسخ خطی حمایت می‌کند و در قالب پروژه‌های علمی مبتنی بر نسخ خطی، امتیازات خیلی خوبی به محققان اروپایی اعطا مینماید؛ به نظر می‌رسد روسیه و دانشمندان روسیه از این مواد بسیار ارزشمند استفاده و بهره‌وری علمی چندانی نمی‌نمایند و به دگر تعبیر با توجه به وجود این منابع سرشار علمی در جای جای روسیه، سهم تولیدات علمی مبتنی بر نسخ خطی، در مراکز علمی روسیه، بسیار اندک و نازل است تا جایی که موارد موجود نیز، مطلقاً به چشم نمی‌آیند و عمده این ضعف را بنده در عدم توجه اولیای امور علمی و فرهنگی روسیه، به این مواریث کهن علمی میدانم.

موضوع پایانی نیز بحث اسناد کهن ایرانی و فارسی است که خوشبختانه صدها هزار سند در مراکز آرشیوی روسیه قرار دارند و هر یک می‌توانند بسیاری از خلأهای پژوهشی و حتی حلقه‌های گم شده نقطه نقطه تاریخ ایران زمین را تکمیل و روشن نمایند. درباره قدمت این اسناد باید گفت که به لحاظ تاریخی، به نظر می‌رسد بیشترین این اسناد مربوط به دوره قاجار و اندی نیز متعلق به عصر صفوی، نادری و زندی باشند؛ نباید از نظر دور داشت که بخش عظیمی نیز اسناد تاریخ معاصر ایران زمین است، ولی متأسفانه کار چندانی در معرفی آنها چه از طرف روس‌ها و چه از طرف ایرانیان، کار چندانی نشده است.

امید است که زمینه معرفی علمی این منابع مطالعاتی ارزنده، از سوی اولیای فرهنگی دو دولت دوست ایران و روسیه نیز فراهم آید. بدون تردید هر سند، قطعه‌ای از یک پازل سترگ علمی است که اگر نگاه ما به این مواریث کهن، از جنس "نگاه منشوری به متون" بوده باشد، اینها می‌توانند زمینه ساز تولیدات علمی فراوانی، چه در مراکز علمی ایران، و چه در دانشگاه‌های روسیه باشند.

<http://manuscripts.ir/fa/component/content/article?id=3280>